





دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه جامعه‌شناسی

پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی

عنوان:

تبیین جامعه‌شناختی شکل‌گیری جماعت دعوت و اصلاح ایران

(اخوان‌المسلمین ایران) و تحول گفتمان آن

استاد راهنما: سید حسین سراج‌زاده

استاد مشاور: مصطفی مهرآیین

نگارش: خبات رسول‌پور

پاییز ۱۳۹۲

تقدیم به

جمال حسن نژاد

کسی که «اخلاق» را زندگی می‌کند...

سپاس و قدردانی

سپاسگزار تمام کسانی هستم که به من آنچه لازم داشتم تا این پژوهش را آغاز و به پایان برسانم، اعطا کردند. نزدیک به سه سال تحصیل در دوره کارشناسی ارشد، من را وامدار لطف و عنایت افراد بسیاری کرده است. از دکتر حسین سراج‌زاده درس‌های بسیاری گرفته‌ام. ایشان قبل از آنکه استاد جامعه‌شناسی من باشند، سرمشق اخلاقی من بوده‌اند. صمیمانه‌ترین قدردانی و خالصانه‌ترین دعا را برای ایشان دارم. دکتر مصطفی مهرآیین، نمونه یک انسان بخشنده است؛ کسی که کریمانه دیگران را در داشته‌های خود شریک می‌کند. از ایشان به سبب تمامی زحماتشان در طی انجام این پژوهش سپاسگزارم. اما یار و مونس لحظات ناخوش زندگی‌ام، کسی که صبورانه و سخاوتمندانه محبتش را نثارم کرده است، ریحانه زندگی‌م، ریحانه اصلانی است. به پاس حضورش در زندگی‌م، و دمیدن نیروی انگیزه و امید در روان خسته‌ام که در فرآیند انجام این کار بر من عارض می‌شد، خالصانه، خداوند را شاکرم. از خواهرانم که مادرگونه قلب‌هایشان را برایم در طبق اخلاص نهادند و از برادرانم که مایه مباحثات و مظهر شفقت‌اند کمال قدردانی را دارم. از کرامت رحمانی، غیاث‌الدین شیخی، سوران دهقانزاده، امید آغابییگی، شلیب دانشفر، سمیه کارگر، فاتح شیخی، حسین رفیعیان‌زاده، حاتم فرجی، یونس شریفی و سایر دوستانی که در انجام این پژوهش برایشان مایه زحمت بوده‌ام، متشکر و سپاسگزارم.

چکیده:

هدف این پژوهش بررسی شرایط ظهور گفتمان جماعت دعوت و اصلاح ایران (اخوان المسلمین ایران) و تحول گفتمان آن است. چه شرایط تاریخی زمینه‌ساز شکل‌گیری این گفتمان جدید در جامعه اهل سنت کردستان ایران شد؟ چه عواملی (چه کسانی) منابع و فضای اجتماعی لازم برای تولید این گفتمان را فراهم آوردند؟ چه عواملی قلمرو گفتمانی و محتوای گفتمان آن را تعیین نمودند؟ محقق پس از طرح یک مدل نظری ترکیبی، به بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی جامعه اهل سنت کردستان ایران پرداخته و می‌کوشد نشان دهد که اگر چه «به وجود آمدن بحران در نظم اخلاقی جامعه» و «بسیج منابع» برای شکل‌گیری فرایند تولید ایدئولوژی ضروری است، قلمرو گفتمانی و محتوای ایدئولوژی‌ها تحت تأثیر عواملی همچون گفتمان‌هی رقیب موجود در بافت جامعه، محدودیت استدلالی و محدودیت انگیزشی تعیین می‌شود. در نهایت، محقق به بحث درباره دلالت‌های این پژوهش برای شناخت رابطه میان ایدئولوژی و ساختار اجتماعی می‌پردازد. این مطالعه از نوع مطالعه موردی است که با استراتژی پژوهشی تبیینی - تفسیری انجام گرفته است. جهت گردآوری داده‌ها از روش اسنادی و مصاحبه‌ای بهره گرفته شده است. روش نمونه‌گیری برای مصاحبه هدفمند بوده و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، دو روش تطبیق الگو و تحلیل گفتمان مورد استفاده قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: فرهنگ، ایدئولوژی، گفتمان، تولید فرهنگ، جامعه اهل سنت کردستان ایران، بینامتنیت، نظم اخلاقی، تولیدگر فرهنگ، بسیج منابع، قلمرو گفتمانی، محتوای گفتمان، اسلام صوفی‌منشانه، ناسیونالیسم، اسلام‌گرایی.

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات پژوهش.....	۱
۱-۱) بیان مسأله.....	۲
۲-۱) اهمیت و ضرورت تحقیق.....	۷
۳-۱) قلمرو پژوهشی.....	۱۰
فصل دوم) چارچوب نظری: نظریه های جامعه شناختی - نشانه شناختی ایدئولوژی و تغییر فرهنگی.....	۱۱
۱-۲) مقدمه.....	۱۲
۲-۲) رابطه ایدئولوژی و ساختار اجتماعی در میراث نظری کلاسیک جامعه‌شناسی.....	۱۵
۱-۲-۲) نظریه تطابق فرهنگی.....	۱۶
۲-۲-۲) نظریه مشروعیت طبقاتی.....	۱۹
۳-۲-۲) مؤلفه‌های مسئله‌آفرین.....	۲۲
۳-۲) نظریه محرومیت نسبی.....	۲۵
۴-۲) نظریه‌های جدید تغییر فرهنگی و تولید ایدئولوژی.....	۲۷
۱-۴-۲) نظریه روبرت و سنو.....	۲۷
۲-۴-۲) نظریه باختین: منطق گفت‌وگویی.....	۶۳
۳-۴-۲) نظریه منصور معدل: مدل گفتمانی اپیزودیک.....	۷۲
۵-۲) چهارچوب نظریه نهایی.....	۸۴
۶-۲) پیشینه تحقیق.....	۹۰
۷-۲) فرضیه‌های استنتاج‌شده و مدل تبیینی.....	۹۴

فصل سوم: روش تحقیق	۹۵
۱-۳) مقدمه	۹۶
۲-۳) روش برای تبیین تولید گفتمان جماعت دعوت و اصلاح ایران	۹۶
۱-۲-۳) نوع تحقیق	۹۶
۲-۲-۳) نوع داده ها و روش جمع آوری	۹۷
۳-۳) تعریف مفاهیم اصلی	۹۷
۴-۳) نوع تحقیق	۱۰۴
۵-۳) فرضیه ها، مفاهیم اصلی و تکنیکهای زبانشناختی مناسب	۱۰۴
۶-۳) نوع اطلاعات و چگونگی بکارگیری آنها	۱۰۸
فصل چهارم: گفتمان جماعت دعوت و اصلاح ایران: مؤلفه‌ها و ویژگی‌ها	۱۰۹
۱-۴) مقدمه	۱۱۰
۲-۴) مؤلفه‌ها و ویژگیهای جماعت دعوت و اصلاح ایران	۱۱۲
۱-۲-۴) تولیدکنندگان گفتمان جماعت دعوت و اصلاح ایران چه کسانی هستند؟	۱۱۲
۱-۱-۲-۴) سنت‌گرایان عقل‌پذیر	۱۱۵
۲-۱-۲-۴) عقل‌گرایان سنت‌پذیر	۱۲۴
۳-۱-۲-۴) عقل‌گرایان سکولار	۱۲۸
۲-۲-۴) چرا سخن میگویند؟	۱۳۸
۳-۲-۴) جماعت دعوت و اصلاح ایران درباره چه سخن میگوید؟	۱۴۸
۴-۴) میراث جریان جماعت دعوت و اصلاح ایران	۱۶۸
فصل پنجم: بررسی تاریخی	۱۷۰
۱-۵) مقدمه	۱۷۱

۱۷۲ (۲-۵) اسلام سنتی
۱۷۵ (۱-۲-۵) مذهب و سیاست در اسلام سنتی
۱۷۷ (۲-۲-۵) اندیشه سیاسی اولیه اسلامی و تحولات بعدی آن
۱۸۰ (۳-۵) طریقت صوفیانه
۱۸۵ (۴-۵) بحران نظم سنتی و تغییرات اجتماعی - فرهنگی
۱۸۸ (۵-۵) رهیافت‌های برون رفت از بحران نظم اخلاقی
۱۸۸ (۱-۵-۵) سکولاریسم
۱۹۰ (۲-۵-۵) اسلامگرایی
۲۰۲ (۶-۵) بحران نظم سنتی در جامعه کردی و واکنشهای متعاقب آن
۲۰۹ (۱-۶-۵) گفتمان ناسیونالیسم
۲۱۴ (۲-۶-۵) گفتمان چپ
۲۱۹ (۳-۶-۵) گفتمان اسلامگرایی
۲۲۷ (۷-۵) جماعت دعوت و اصلاح ایران (اخوان المسلمین ایران)
۲۳۰ (۱-۷-۵) مرحله محفلی جماعت دعوت و اصلاح ایران
۲۳۶ (۳-۷-۵) مرحله تشکیلات مخفی جماعت دعوت و اصلاح ایران
۲۴۲ (۴-۷-۵) مرحله نیمه‌علنی (انتقالی) تشکیلات جماعت دعوت و اصلاح ایران
۲۴۷ (۵-۷-۵) دوره علنی تشکیلات جماعت دعوت و اصلاح ایران
۲۵۶ (۶-۷-۵) ریزش‌های بدنه جماعت دعوت و اصلاح ایران
۲۵۹ (۸-۵) جمع‌بندی و خلاصه فصل
۲۶۱ فصل ششم: نتیجه‌گیری
۲۷۱ (۱-۶) محدودیت‌های پژوهش
۲۷۲ (۲-۶) پیشنهادهای پژوهشی

فهرست منابع ۲۷۳

الف) منابع فارسی ۲۷۳

ب) منابع انگلیسی ۲۸۲

ج) منابع کُردی ۲۸۳

فصل اول: کلیات پژوهش

۱-۱) بیان مسأله

قرن نوزدهم میلادی مقطعی تعیین کننده و نقطه عطفی در تاریخ ملل اسلامی است. در این قرن و پس از آن، بسیاری از کشورهای اسلامی و مناطق مسلمان نشین به اشغال استعمارگران درآمد؛ کشورهای اسلامی تجزیه و به قطعات کوچک تبدیل شدند؛ برخی از کشورها در جنگ با دشمنان به شکست‌های سخت مبتلا شده، رو به ضعف و سستی نهادند. اشغال مصر توسط ناپلئون، اشغال عراق، سوریه و لبنان توسط انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها، اضمحلال حکومت عثمانی، اشغال فلسطین، شکست‌های ایران از روسیه تزاری و اوضاع کشورهای افریقایی از این قبیل است. در این قرن همچنین رفت و آمد بین مناطق مختلف دنیای اسلام با جهان غرب رو به افزایش گذاشت. مسلمانان با ورود به دنیای غرب چشم خود را به سوی مظاهر مختلف زندگی مدرن باز کردند: پیشرفت مادی و صنعتی، زندگی کم و بیش ماشینی، دانشگاه‌ها و مراکز علمی پیشرفته، علم و دانش فراگیر، تجمع ثروت و رفاه، بهداشت عمومی، نظم و پیشرفت در امور زندگی و از سوی دیگر نظام‌های سیاسی متکی به مردم، مجالس قانون گذاری، حکومت‌های جمهوری یا مشروطه، انتخابات، تفکیک قوا، استقلال قوه قضائیه، حکومت قانون، قانون اساسی، تبیین حقوق ملت، آزادی بیان و قلم، وجود مطبوعات، روزنامه‌ها و... آنها این اوضاع را وقتی با وضعیت کشورهای خودشان مقایسه می‌کردند که حکومت استبداد و خودکامگی و حضور استعمارگران و دست نشانده‌هایشان ارمغانی جز فقر، جهل، بیماری و نکبت برایشان به ارمغان نیاورده بود، در حسرت به سر می‌بردند و در پی چاره جویی و جبران مافات و رسیدن به قافله تمدن برآمدند.

در این میان هر قشر و طبقه‌ای بنا به فراخور نظام ارزشی و ایدئولوژیک خود نسخه‌ای متمایز برای برون رفت از این انحطاط داخلی و استعمار خارجی می‌پیچید که مجموعاً می‌توان آنها را در سه گرایش عمده سنخ‌بندی کرد:

دسته اول: اسلام‌گرایان سنتی و روحانیون عمدتاً نزدیک به دربار پادشاهان بودند که با توجیه و دلیل خاص خود مخالف تغییر وضع موجود بودند.

دسته دوم: روشنفکران، تحصیل کرده‌های فرنگ و نخبگان فکری بودند که بر پذیرش ارزشهای غرب و سکولاریسم تاکید داشتند و معتقد بودند که تلاش مصلحان اجتماعی باید در راستای تغییر نهادهای سیاسی، حقوقی و آموزشی به سبک نهاد های غرب و ترویج و تبلیغ مبانی فکری- فرهنگی این نهاد ها در میان توده مردم باشد.

دسته سوم: مصلحان و دین دوست‌هایی بودند که مؤمن و معتقد به آرمانهای دین اسلام به عنوان دینی جامع و انسان ساز بودند و در عین حال وضع کنونی مسلمانان را هم مطلوب نمی‌دانستند. این دسته بر این باور بودند که انحطاط نه از بیرون بلکه از درون ما سر برآورده است. چرا که مسلمانان خود در گذشته (مخصوصاً قرن چهارم و پنجم هجری) دوران طلایی فرهنگ و تمدن در تمامی مظاهر آن را تجربه کرده‌اند و آن، زمانی بوده است که این جوامع بیش و نگرش ناب اسلامی داشتند. حال نیز برای برون رفت از این وضعیت اسفناک بایستی هم ذهنیت مسلمانان را بار دیگر با روح اسلام و دینداری اصیل آشتی داد و هم در صدد اسلامی کردن نهادهای توسعه آفرین غرب برآمد. این دسته با شعار احیاء‌گری حیات دینی در میان مردم ظهور کردند.

سلسله جنبان بیدارگری اسلامی را سید جمال الدین اسدآبادی میدانند؛ کسی که تمامی هم و غمش در طول زندگی معطوف شد به اتحاد ممالک اسلامی، ترویج شعائر اصیل دینی و مبارزه با استعمار.

وی برای تحقق آرمانهایش رنج سفرهای زیادی را به تمامی کشورهای اسلامی و حتی اروپا و آمریکا به جان خرید. چند سالی که در مصر مشغول فعالیت علمی و دینی بود، شخصیت های مهمی به حلقه درسهایش درآمدند و جذب ایده های نو و افکار جذاب سید جمال الدین شدند که یکی از آنها محمد عبده بود. عبده، بعدها منبع الهام روشنگری برای پایه گذاران جنبش اخوان المسلمین شد.

در راستای این موج حرکت اصلاحیگری بود که در سال ۱۳۰۷ (۱۹۲۸)، بزرگترین جنبش اسلامی معاصر، اخوان المسلمین، توسط حسن البنا بنیان گذاشته شد. حسن البنا پرچم دار حرکتی شد که به زودی نه تنها سراسر مصر را فرا گرفت بلکه مبانی فکری و ایده ها و حتی الگوی تشکیلاتی به بسیاری از کشورهای اسلامی همچون سوریه، اردن، سودان، الجزایر و حتی کشورهای غیر اسلامی با اقلیت مسلمان نفوذ پیدا کرد. حتی ایران نیز علی رغم اکثریت شیعی مردمانش از موج نفوذ اخوان، برکنار نماند. میتوان گفت حتی حزب رادیکالی چون فدائیان اسلام از تفکرات اخوان تا حدودی بهره ایدئولوژیک برده است. با ترور حسن البنا به دست حکومت ملک فاروق، سید قطب مغز متفکر اخوان پا به این عرصه می نهد که تأثیر آثار و نوشته های او بر بعضی از گرایشات بنیادگرایانه اسلامی هنوز نمایان است.

همان طور که اشاره شد خوانش متجددانه اخوان المسلمین از اسلام به تدریج در میان جمعی از ایرانیان نیز مشروعیت یافت. چرا که از دوران انقلاب مشروطه و حتی کمی قبل از آن (فتوای تحریم استعمال تنباکو توسط میرزای شیرازی) روحانیت در صحنه سیاست حضور پیدا کرده بود و به عنوان نماینده تفکر اسلامی نیازمند یک ایدئولوژی منسجم دینی بود که هم یارای حل مسائل روز را داشته باشد و هم بتواند در برابر ایدئولوژیهای رقیب، یعنی سوسیالیسم و لیبرالیسم دژ محکمی برای هویت مسلمانان باشد. بنا به گفته هادی خسروشاهی (مترجم آثار اخوان المسلمین در ایران) اولین آشنایی جنبش اسلامی ایران با اخوان به دهه بیست شمسی بر می گردد. زمانی که آیت الله کاشانی به مکه می

روند و در آنجا با حسن البنا آشنا میشوند. از آن به بعد باب روابط سیاسی و فکری جنبش اسلامی ایران با اخوان گشوده می شود. و بعد از آن در دهه سی شهید نواب صفوی که به دعوت سید قطب به یک همایش اسلامی به الجزایر می رود در آنجا با شخصیت سید و افکار و ایده های وی به عنوان تئوریسین اخوان آشنایی پیدا میکند (خسروشاهی، ۱۳۷۹، ص ۴۵). اما ترجمه آثار اخوان از اوایل دهه چهل توسط کسانی چون هادی خسروشاهی، حجت الاسلام سید علی خامنه ای و محمد خامنه ای، شروع میشود. این ترجمه ها پل آشنایی مردم ایران با جنبش اخوان و پیش اصلاحی - انقلابی این حرکت جهانی می شود.

در آن زمان که محمدرضا شاه با استراتژی دسته دوم، یعنی رویکردی غرب گرایانه، در صدد بود ایران را تبدیل به یک کشور توسعه یافته به سبک و سیاق غرب نماید، علی رغم برداشتن قدم های سازنده و پیاده کردن طرح های نسبتاً موفق نظامی، اداری، اقتصادی و اجتماعی، لیکن در حوزه سیاست گذاری و مسائل فرهنگی رویکرد چندان سنجیده ای اتخاذ نکرد و بنا به گفته یرواند آبراهامیان عملکرد پهلوی دوم در خصوص سیاست و اقتصاد ناموزون بود. همین امر موجب شد، هر روز مخالفانش از توده مردم گرفته تا تحصیل کرده ها و نیروهای سیاسی و مذهبی در حال فزونی باشد. در این میان، مخالفین در هیئت سازمانها و گروههایی با گرایشهای متفاوت سوسیالیستی، لیبرالی و اسلامی در سراسر ایران به نقد و انتقاد و مبارزه علیه وضع نابسامان کشور می پرداختند. در منطقه کردستان ایران نیز وضع به همین منوال بود و احزابی عمدتاً با گرایشهای سوسیالیستی برای اعاده حقوق مردم کرد مبارزه می کردند. اما از آنجا که این احزاب مهمترین عنصر هویتی، یعنی هویت دینی مردم کرد را نادیده می گرفتند و اگر نگوئیم دین ستیز حداقل دین گریز بودند، عده ای از کردها های اهل سنت ایران به رهبری کسانی چون صلاح الدین محمد بهاء الدین، عمر عبدالعزیز، ناصر سبحانی و ابراهیم مردوخی و... که به اسلام به عنوان دینی جامع و مکتب گونه، ایمان راسخ داشتند، در اوایل دهه ۶۰ شمسی، به

ساماندهی تشکیلاتی به عنوان اخوان المسلمین ایران پرداختند. این تشکیلات، تقریباً تمامی ایده‌ها، برنامه‌ها و حتی الگوی تشکیلاتی‌اش برگرفته از اخوان المسلمین عالمی بود. در ابتدا حوزه فعالیت این جماعت محدود به مناطق اهل سنت کردستان بود اما به تدریج حوزه فعالیتش به سایر مناطق سنی‌نشین ایران نیز کشیده شد. یعنی از کسوت یک حزب اسلامی - کردی به قالب حزبی رفت که در آن قومیت‌های کرد و فارس و ترک و بلوچ سنی مذهب را پوشش می‌داد.

جماعت اخوان المسلمین ایران در سال ۱۳۸۰، بنا به تشخیص کادر رهبری‌اش، رسماً به «جماعت دعوت و اصلاح ایران» تغییر نام داد و از آن زمان به بعد، فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی‌اش، گستردگی بیشتری پیدا کرد. لازم به ذکر است اخوان المسلمین در هر کشوری که سر برآورده است در هیئت یک جنبش فرهنگی ظاهر گشته است، یعنی جنبشی که رسالت اصلی و ابتدائی‌اش را تغییر نگرش‌ها و باورهای مردم می‌داند تا تغییر ساختار سیاسی. به همین منوال جماعت دعوت و اصلاح ایران نیز حضور خود را با فعالیت‌های تربیتی و فرهنگی آغاز نمود. بنابراین فعالیت این جنبش فرهنگی را می‌توان نمونه‌ای از «تولید فرهنگ» دانست. نیروهای متعلق به این تشکیلات، آنچنان که خود را در ارگان رسمی، یعنی سایت اینترنتی‌شان، معرفی می‌کنند، با پرداختن به موضوعاتی از قبیل: «پرورش فرد مسلمان، خانواده مسلمان و جامعه مسلمان در پرتو تعالیم نورانی قرآن کریم» (سایت رسمی جماعت) در پی تحقق آرمان‌های خود گام برمی‌دارند. جماعت دعوت و اصلاح ایران، برای نیل به اهداف خود، دست به تولید متونی در قالب کتاب، مقاله، نشریه، جزوه، سخنرانی، مناظره و... زده است. اکنون می‌توان از نقطه نظر جامعه‌شناختی پرسش‌های زیر را مطرح ساخت:

چه شرایط کلان تاریخی (اجتماعی - سیاسی - اقتصادی) زمینه ساز شکل‌گیری جنبش جماعت دعوت و اصلاح ایران گردید؟

چه عواملی (چه کسانی، چه نهادهایی) منابع لازم برای شکل گیری این جنبش را فراهم آوردند؟

چه عواملی قلمرو گفتمانی و محتوای ایدئولوژی این جنبش را شکل می دهند؟

از آنجا که سه پرسش بالا، پرسش های اصلی پژوهش هستند و در سطح کلی مطرح شده اند؛ می توان پرسش های زیر را نیز به عنوان توضیح دهنده و نوعی پرسش های فرعی این تحقیق طرح کرد:

چه روابطی میان ایده های خلق شده با شرایط اجتماعی تولید آنها وجود دارد؟

چه شرایطی زمینه لازم برای تولید این گفتمان را در جامعه اهل سنت ایران فراهم آورد؟

چه عواملی منابع و فضای اجتماعی لازم را برای تولید و رشد این گفتمان فراهم کرد؟

چه عواملی فرم و محتوا و جهت گیری سیاسی-اجتماعی این گفتمان را تعیین کرد؟

شیوه ارتباط متفکران مزبور با مخاطبانشان در جامعه اهل سنت ایران چه بوده است؟

جنبش جماعت دعوت و اصلاح ایران چه ارتباطی با اخوان المسلمین عالمی دارد؟

آیا گفتمان جماعت دعوت و اصلاح ایران تشابهی با گفتمان انقلاب اسلامی ایران دارد؟

گفتمان این جماعت چگونه خود را در برابر گفتمان ناسیونالیسم کردی تعریف می کند؟

جماعت دعوت و اصلاح ایران در پروسه جهانی شدن چگونه پیوند خود را با مدرنیته و دستاوردهای

آن-عقلانیت، جامعه مدنی، دموکراسی، لیبرالیسم-تعریف می کند؟

۱-۲) اهمیت و ضرورت تحقیق

پرسشهای مزبور و پرسشهای مشابه آنها که در قسمت بیان مسئله مطرح شدند؛ همگی شایسته تحقیق اند. بی تردید پاسخ گفتن به پرسشهای بالا، بیش از هر چیز موجب غنای شناخت در علوم اجتماعی به ویژه، جامعه شناسی فرهنگ و معرفت می شود؛ چرا که جماعت دعوت و اصلاح ایران، نمودی از تحول فکر دینی در جهان اهل سنت کردستان ایران است که به عنوان یک جنبش اجتماعی

در جامعه اهل سنت ایران، جامعه ای با تنوعات قومی، حضور دارد. بنابراین می تواند موردی خاص برای تئوری های جنبش های اجتماعی باشد؛ چندان که این تئوری ها بتوانند قدرت تبیین گری و تعمیم - دهی خویش را محک بزنند. در اهمیت اجمالی این پژوهش، می توان گفت این پژوهش درک ما را از جامعه اهل سنت ایران بطور کلی و جامعه کردی به طور خاص تغییر خواهد داد. از آنجا که ساختارهای سیاسی در کشورهای خاورمیانه، عمدتاً ساختارهایی ایدئولوژیک و تک گفتمانی بوده اند به طوری که تحمل چند صدایی و پلورالیسم فکری را در این ساختارها از میان برده است؛ لذا در این کشورها، جنبش های اجتماعی اگر بخواهند دوام و ثبات داشته باشند بایستی از جنبش های فرهنگی باشند تا سیاسی؛ یعنی جنبش هایی که مخاطبان اصلی خود را مردم می دانند و رسالت خود را در تغییر فرهنگ مردم می بیند تا ساختارهای سیاسی. بنابراین شناخت این جنبش ها و جنبش جماعت دعوت و اصلاح ایران به طور اخص نوعی فرهنگ شناسی نیز محسوب می شود. به عبارتی دیگر با شناخت از این جنبش ها و تبیین چگونگی شکل گیری آنها و ردیابی فرآیند رشد و تحول آنها، می توان شیوه تفکر، شیوه احساس و شیوه عمل نیروهای اجتماعی طرفدار این جنبش ها را نیز درک و فهم کرد. از طرف دیگر، جنبش جماعت دعوت و اصلاح ایران، مورد خاصی است که از ویژگی های منحصر به فردی برخوردار است. این جنبش در کردستان ایران شکل می گیرد و رشد می یابد؛ سرزمینی که نزدیک به دو قرن است که یک گفتمان ناسونالیستی در آن حضوری فراگیر و جدی دارد؛ به گونه ای که حتی اگر شیوخ و روحانیون کرد هم در دوره هایی از تاریخ کردستان، رهبری جنبش - های کردی را به دست گرفته اند، گفتمان حاکم بر جنبش ها، ناسیونالیسم بوده است. شناخت جنبش - های اسلامی واقع در کردستان به طور اعم و جنبش جماعت دعوت و اصلاح ایران به طور اخص، مخاطب را به شناخت وضعیت اجتماعی - فرهنگی حال حاضر کردستان ایران رهنمون و همچنین مشخص می سازد، جهت گیری های سیاسی - اجتماعی جامعه کردی چه سمت و سویی به خود گرفته است. این شناخت درباره جامعه کردی، مستقیم و غیرمستقیم می تواند در سیاست گذاری های مدیریتی و فرهنگی سیستم مرکزی در ارتباط با کردستان ایران به کار آید. اهمیت دیگر این پژوهش در این است که درک مخاطب را از ماهیت جنبش های اسلامی در جامعه اهل سنت ایران دقیق تر خواهد کرد. در یک دهه اخیر، جنبش های اسلامی بنیادگرا و سلفی در جامعه اهل سنت ایران، به - خصوص در میان جوانان و نوجوانان، عمق و گسترش بیشتری پیدا کرده است؛ این جنبش های سلفی، نوعی هویت تکواریه - مسلمان راستین بودن - را تبلیغ می کنند و تعلیم می دهند؛ به طوری که

«دیگری» در این گفتمان‌ها، هم‌ردیف دشمن است و شعار «هر که با ما نیست، برضد ماست» سخت در این جنبش‌ها ریشه دوانیده است و این خود اسباب ترویج خشونت است. شناخت جنبشی مانند جماعت دعوت و اصلاح ایران، روشن‌گر این مسئله است که آیا بایستی این جماعت را هم، هم‌تا و همسوی این جنبش‌های سلفی قلمداد کرد یا خیر. اگر گفتمان حاکم بر این جماعت، نوعی تساهل و مدارا و هم‌زیستی با گفتمان مدرنیته را پذیرفته باشد، مسلماً عقلانیت سیاسی حکم می‌کند، هم سیستم مرکزی ایران و هم مجامع بین‌المللی، تعامل متفاوتی را با این جنبش در پیش گیرند. ضرورت این گونه تحقیق‌ها از منظری کلی‌تر، در ارتباط با خیزش و انقلابات کشورهای عربی است که از آن به عنوان «بهار عربی» یاد می‌شود. در زمانه‌ای که مدرنیزاسیون - در همه جلوه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی - در صدد است به عنوان پارادایم مسلط جهان ظاهر شود و تمامی فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌ها، خواسته و ناخواسته تحت هژمونی مدرنیسم قرار دهد، گفتمان‌های دینی در سراسر جهان به شیوه‌های متفاوت در برابر این «روند»، واکنش نشان داده‌اند. قرائت‌های دینی یا چنان قبض یافته‌اند که پیامدی جز خشونت و ترویج دیگری ستیزی نداشته است یا چنان بسط یافته‌اند که حوزه «امر مقدس» آن به شدت تنگ شده است و هستند گفتمان‌هایی که راهی دیگر و متعادل در پیش گرفته‌اند. با گذر دوره نهضت و جنبش در کشورهای عربی و آغاز دوره ثبات و استقرار، چیزی که حیرت بسیاری از تحلیل‌گران علوم اجتماعی و نگرانی غرب را برانگیخت، حضور جدی و چشمگیر اخوان المسلمین - که راه تعادل بین قبض بیش از حد دین و بسط مفرط آن را اختیار کرده است - و وزنه سنگین آن در انتخابات این کشورها - تونس، مراکش، مصر - بود. بهار عربی بار دیگر توجه همگان را به نقش دین و گفتمان‌های دینی در ساحت حیات اجتماعی در کشورهای خاورمیانه، به خود جلب کرد. احزاب اسلامی پیروز در این انقلابات، بخش بزرگی از پیروزی‌شان، مدیون تلاش در سازگار ساختن اسلام و مدرنیته است. جماعت دعوت و اصلاح ایران یک نسخه ایرانی از اخوان - المسلمین است؛ بنابراین دانستن این امر ضرورت دارد که آیا رویکردها و راهکارهای این جماعت قرابتی با سایر احزاب اخوانی در جهان اسلام دارد یا خیر؟. همچنین در حالی که درباره سازمان‌ها و جنبش‌های ناسیونالیستی و قومی و سیاسی در کردستان ایران مطالعات نسبتاً زیادی صورت گرفته، درخصوص جنبش‌ها و جریان‌های اسلامی کردستان پژوهش‌های اندکی انجام گرفته است. دیگر جنبه اهمیت بنیادی این پژوهش در راستای دلایل شخصی‌تر و مبرم‌تری هستند؛ حسی وجود دارد که به موجب آن، وقتی چیز تازه‌ای یاد می‌گیری، آدمی در سطح شخصی‌تر تغییر می‌کند، اگرچه همواره

بر این تغییر آگاهی نداشته باشد. هر بار که دیدگاه انسان نسبت به جهان تغییر می یابد، هر چند جزئی، اما شروع به دیدن چیزهایی می کند که قبلا ندیده است.

۳-۱) قلمرو پژوهشی

جماعت دعوت و اصلاح ایران در بیش از ۱۴ استان کشور که اهل سنت در آن سکونت دارند، فعالیت دارد. از آنجا که جامعه اهل سنت ایران، به لحاظ جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی یکدست و یکپارچه نیست و در هر منطقه از جامعه مزبور، ویژگی های اجتماعی- فرهنگی خاصی حاکم است، این پژوهش بنا به استطاعت زمانی و معرفتی محقق، محدود به منطقه اهل سنت کردستان ایران یعنی سه استان آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه می باشد.

فصل دوم) چارچوب نظری: نظریه های جامعه شناختی - نشانه

شناختی ایدئولوژی و تغییر فرهنگی